

## مقدمه

حمدانیان و فاطمیان، پیشگامان حکومت‌های شیعی در جهان اسلام، هر دو در آخرین سالهای سده سوم هجری حکومت خود را بنیان نهادند؛ یکی شیعه امامی و دیگری شیعه اسماعیلی، هر دو به مرزداری ثغور اسلامی پرداختند. یکی از شرق آغاز کرد و به سوی غرب پیش رفت. دیگری از غرب ظهور کرد و به شرق خود را کشانید. یکی در زمان و مکان محدودتری درخشید و دیگری امپراتوری خود را حدود دو و نیم قرن از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند گستراند.

جایگاه این دو حکومت هنوز برای دانشجویان ایرانی رشته تاریخ به درستی و آن گونه که سزاوار آن هستند، مشخص نشده است. در سطح دروس کارشناسی دانشگاه‌های ایران دو واحد از درسهای اختیاری به این دو حکومت اختصاص یافته ولی تاکنون برای این درس کتابی تألیف یا تدوین نشده است. اگرچه پژوهشهای درخور توجهی، به ویژه در مورد فاطمیان، در سالهای اخیر به زبانهای گوناگون نوشته شده است.

از آن میان باید از پژوهشگران اسماعیلی مذهب یاد کرد که نسبت به دولت فاطمی با انگیزه بیشتری به تحقیق پرداخته‌اند. کسانی همچون عارف تامر (۱۹۹۸-۱۹۲۱) نویسنده نزاری محمدشاهی از سوریه که چندین کتاب در تاریخ اسماعیلیه نوشته و به ویژه جلد سوم آن را با عنوان *الدولة الفاطمية الکبيرة* به دولت فاطمی اختصاص داده است. وی همچنین تک‌نگاریهایی نیز درباره برخی از خلفای فاطمی انجام داده است که از آن میان می‌توان به این کتابها اشاره کرد: *عبيدالله المهدي؛ القائم و المنصور الفاطميان؛ امام ثورة الخوارج؛ المعز لدين الله الفاطمي واضع اساس الوحدة العربية الكبرى؛ الخليفة الفاطمي الخامس العزيز بالله؛ قاهر القرامطه و افتكسين؛ الحاكم بامر الله؛ خليفة و*

الامام و مصلح و سرانجام کتاب *المستنصر بالله الفاطمی*. عارف تامر علاوه بر اینها به تصحیح و چاپ رسائل و منابع اسماعیلی نیز اقدام کرده است. *اربع رسائل اسماعیلیه*؛ *خمس رسائل اسماعیلیه و اساس التأویل*، نوشته قاضی نعمان بن محمد و *الریاض*، اثر حمیدالدین کرمانی در این شمار است.

مصطفی غالب (۱۹۸۱-۱۹۲۳)، نویسنده پرکار اسماعیلی مذهب از شاخه نزاری قاسم شاهی نیز علاوه بر کتابهای بسیاری که درباره اسماعیلیه به طور کلی نوشته است، کتابی با عنوان *تاریخ الدولة الاسماعیلیه منذ اقدم العصور حتى عصرنا الحاضر*، نگاشته و در بخشهایی از آن به تاریخ فاطمیان پرداخته است. وی همچنین تلاش بسیاری برای تصحیح و معرفی آثار اندیشمندان اسماعیلی، به ویژه متفکران فاطمی، انجام داده است. کسانی مانند: ابو یعقوب سجستانی، *الافتخار و کتاب الینابیع* او، آثار حمیدالدین کرمانی: *راحة العقل، المصباح فی اثبات الامامه و مجموعه رسائل الکرمانی*، همچنین کتاب *المجالس المؤیديه*، اثر داعی الدعات و مدبر دستگاه *المستنصر بالله فاطمی*، مؤید فی الدین شیرازی و *آداب الاتباع الائمة*، اثر قاضی نعمان بن محمد و حتی منبع بسیار پر حجم و مهم تاریخ فاطمیان با عنوان: *عیون الاخبار و فنون الآثار*، نوشته داعی ادریس بن عمادالدین قرشی را می‌توان نام برد.

از دیگر پژوهشگران اسماعیلی مذهب باید از چند تنی یاد کرد که اگرچه اسماعیلی مذهب هستند، اما در دانشگاه‌های غرب پرورش یافته‌اند. کسانی همچون: حسین بن فیض الله همدانی با پژوهشی درباره نسب‌شناسی فاطمیان: *On the Genealogy of Fatimid Caliphs* و چندین مقاله درباره اسماعیلیه و از جمله فاطمیان که در مجلات معتبر انگلیسی‌زبان منتشر شده است. همچنین عباس همدانی، نویسنده و استاد تاریخ خاورمیانه در دانشگاه ویسکانسن میلواکی ایالات متحده، از دیگر اسماعیلیان پژوهشگری است که به تاریخ فاطمیان نیز توجه کرده و بیش از ده مقاله ارزشمند درباره فاطمیان در مجلات و مجموعه مقالات به چاپ رسانیده است. از آن میان مقاله وی که در سال ۱۹۸۳ درباره نامه عبیدالله مهدی به یمنیان نوشته و در مجله *JRAS* به چاپ رسانیده و در آن نسب عبیدالله را مورد بازنگری قرار داده است: «A Re-examination of al-Mahdi's Letter to the Yemenites on the Genealogy of the Fatimid Califs

نشان‌دهنده دقت و بی‌طرفی عالمانه وی می‌باشد. در حالی که کارهای نخستین وی مانند *The Fatimids* که به سال ۱۹۶۲ در کراچی به چاپ رسانید فاقد چنین پختگی است. سمیه همدانی، دختر حسین همدانی، را می‌توان در شمار نسل جدید اسماعیلیان ساکن غرب دانست که به تاریخ اجدادی خود علاقه نشان داده‌اند. وی به‌جز چند مقاله درباره فاطمیان رساله دکتری خود را نیز با عنوان: «From Da'wa to Dawla: Qadi al-Ni'man's Zahiri Construction of Fatimid Legitimacy» در سال ۱۹۹۵ به دانشگاه پرینستون ارائه کرد. وی این کتاب را با دستکاری اندکی در عنوان آن، به سال ۲۰۰۶ در لندن به چاپ رسانید. این کتاب را فریدون بدره‌ای به زبان فارسی ترجمه کرده و با عنوان بلندبالای: *بین انقلاب و دولت، مسیر تشکیل دولت فاطمی، قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی*، در نشر فرزانه روز در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانیده است.

عرب‌تباران و مصریان غیراسماعیلی نیز در این میان پژوهشهای برجسته‌ای درباره فاطمیان، به عنوان یک دولت ملی خود انجام داده‌اند. کسانی همچون: حسن ابراهیم حسن، با کتابهایی مانند: *عبيدالله المهدي و تاريخ الدولة الفاطمية في المغرب و مصر و سوريا و بلاد العرب؛ طه احمد شرف، که با کمک نویسنده پیشین کتاب المعز لدين الله: امام الشيعة الاسماعيلية و مؤسس الدولة الفاطمية في مصر* را نوشته است. محمد جمال سرور، با کتابهایی همچون: *تاريخ الدولة الفاطمية في مصر: سياستها الداخلية و مظاهر الحضارة في عهدها؛ النفوذ الفاطمي في بلاد الشام و العراق في القرنين رابع و الخامس بعد الهجرة؛ النفوذ الفاطمي في جزيرة العرب؛ سياسة الفاطميين الخارجية*. ابراهیم رزق الله با دو کتاب: *التاريخ الفاطمي السياسي و التاريخ الفاطمي الاجتماعي*. محمد محمود خلیل و کتاب: *الاغتيالات السياسية في مصر عصر الدولة الفاطمية*. خالد بن عبدالرحمن قاضی، *الحياة العلمية في مصر الفاطمية و احسن حسن صبحی، الدعوى الفاطمية*. همچنین چندین کتاب نیز با عنوان *الدولة الفاطمية* از سوی نویسندگان گوناگون نوشته شده که از آن جمله: علی محمد صلابی و عبداللطیف عبدالهادی سید را می‌توان نام برد.

ایمن فؤاد سید، استاد دانشگاه امریکایی قاهره، نیز علاوه بر تعداد زیادی مقاله به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی، کتاب مشروح و دقیقی درباره فاطمیان با عنوان *الدولة الفاطمية: تفسیر جدید*، نگاشته است. وی از جمله کسانی است که در سالهای اخیر به جستجوی منابع فاطمی بر آمده و با وجود سوزانده شدن مکرر کتابخانه‌های آنان در درازای تاریخ، توانسته پاره‌هایی از کهن نوشته‌ها را از لابه‌لای نقلها بیابد و پس از پیراستن به چاپ و نشرشان پردازد. *نصوص ضائعة من اخبار مصر*، اثر مفقود شده مسیحی از آن جمله است. عرب دعکور نیز کتابی با عنوان *الدولة الفاطمية: التاريخ السياسي والحضاری* نوشته است. عبدالله کامل موسی عبره درباره معماری فاطمیان کتابی دارد با این عنوان: *الفاطميون و آثارهم المعمارية فی افريقية و مصر* و یمن. احمد راسم نفیس، قدس را در ارتباط با فاطمیان به رشته تحریر در آورده است: *الفاطميون و القدس، جهاد الفاطميين فی مواجهة الغز و الصليبي*. در این میان به دولت فاطمی در مغرب توجه کمتری شده است. فرحات الدشراوی از جمله کسانی است که این خلأ را با کتاب مشهورش که به زبان فرانسه نگاشته و حمادی ساحلی آن را به عربی با عنوان: *الخلافة الفاطمية بالمغرب، التاريخ السياسي و المؤسسات*، برگردانده به خوبی پر کرده است.

در میان شرق‌شناسان به جز پیشگامانی همچون: سیلواستر دو ساسی، میخاییل یان دوخویه و ولادیمیر ایوانف، هانری کربن، ویلفرد مدلونگ که پژوهشهای ارزنده‌ای درباره اسماعیلیه کردند، برنارد لوئیس، با کتابهایی مانند: *The Origins of Ismailism: A Study of the Historical Background of Fatimid Caliphate* و *The Assassins: A Radical Sect in Islam* که اولی در سال ۱۹۴۰ در کمبریج و دومی به سال ۱۹۶۷ در لندن به چاپ رسید، سهمی در روشن کردن خاستگاه فاطمیان داشت. پس از او مارشال گک. س. هاجسن، رساله دکتری خود را با همان عنوان: *The Order of Assassins* و بیشتر درباره نزاریان نوشت و در تاریخ ۱۹۵۵ به چاپ رسانید. ساموئل استرن با مقالات متعدد و ارزنده خود به روشن کردن نقاط تاریک تاریخ فاطمیان کمک بسیار کرده است. همچنان که ماریوس کانارد با ارائه مقالاتی در مجلات فرانسوی‌زبان و نوشتن چندین مقاله در *Encyclopaedia of Islam* از آن جمله

فاطمیان و برخی شخصیت‌های برجسته دوران فاطمی، مانند: ابوسعید جنابی (گناوی) و بساسیری، در راه معرفی فاطمیان گام‌های ارزنده‌ای برداشت. در دهه‌های اخیر نیز باید به پل ارنست واکر اشاره کرد با پژوهش‌های ژرف وی درباره فاطمیان، به ویژه تاریخ فکری و متفکران آنان، همچون: ابویعقوب سجستانی و حمیدالدین کرمانی، همچنان که باید کار محققانه وی در معرفی منابع نوشتاری، سکه‌ها و دیگر آثار بازمانده از فاطمیان را ارج بسیار نهاد که با عنوان ذیل در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسید:

*Exploring an Islamic Empire: Fatimid History and its Sources*

هاینتس هالم، پژوهشگر دقیق آلمانی که بسیاری از آثارش به زبان انگلیسی ترجمه شده، در همین دهه‌های اخیر کتابها و مقالات باارزشی درباره فاطمیان نوشته است که از آن میان می‌توان به کتابهای ذیل درباره فاطمیان اشاره کرد: *The Fatimids and The Empire of the Mahdi: The Rise of Fatimids* و *Their Traditions of Learning*. درباره تاریخ نظامی فاطمیان اثر یاکوولو، که در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسید، با عنوان ذیل از نظر موضوعی خود بی‌مانند است:

*Army, Regime and Society in Fatimid Egypt, 358-487/ 968-1094*

در میان ایرانیان، مهدی محقق، عبدالحسین زرین کوب، محمدجواد مشکور و زریاب خوبی از پیشگامان بنام اسماعیلیه‌شناسی در ایران به شمار می‌آمدند. در حالی که فرهاد دفتری، پژوهشگر برجسته، در دو دهه اخیر یک‌تاز میدان مطالعات اسماعیلی و نه اختصاصاً فاطمی شد. در چند سال گذشته از میان فارغ‌التحصیلان ایرانی رشته تاریخ نیز تنی چند به مطالعات فاطمی روی آوردند و پایان‌نامه‌ها، مقالات یا کتابهایی را در این زمینه تهیه کردند. عبدالله ناصری طاهری، فاطمه جان‌احمدی و محمدعلی چلونگر را می‌بایست در این شمار آورد.

از آنجا که معرفی مبسوطی از منابع تاریخی و غیرتاریخی، سکه‌ها، کتیبه‌ها، اسناد، آثار غیرمکتوب و پژوهش‌های مربوط به فاطمیان را می‌توان در اثر پل ای. واکر، با عنوان: *پژوهشی در یکی از امپراطوریهای اسلامی یافت و از آن روی که مترجم توانا و دیرآشنای مطالعات اسماعیلی، فریدون بدره‌ای که خود نیز اینک به جمع پژوهشگران این حوزه پیوسته، آن را به فارسی برگردانده است، با ارجاع دانشجویان و دوستان این رشته بدان کتاب، سخن را کوتاه می‌کنم.*

در این میان تاریخ حمدانیان، نه تنها در بین ایرانیان که در میان پژوهشگران عرب و شرق‌شناس نیز توجه کمتری را به خود جلب کرده است. گذشته از تاریخ‌نگارانی که به تاریخ عمومی عرب، تاریخ‌های ملی (تاریخ سوریه) و محلی (تاریخ حلب) یا تک‌نگاریهایی درباره سیف‌الدوله یا جنگ‌های صلیبی پرداخته‌اند، چند مقاله و کتاب نیز به استقلال به حمدانیان اختصاص یافته است. در این میان بیشتر تاریخگران سوریه یکه‌تاز میدان بوده‌اند. چنان که می‌توان از سامی کیالی و کتابش با عنوان: *سیف‌الدوله و عصر الحمدانیین یا الدولة الحمدانیان*، اثر احمد عدوان یاد کرد که هر دو در سوریه و به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۸۱ به چاپ رسیده‌اند. در همین تاریخ نیز رمزی جبران بخازی کتابی را به زبان انگلیسی با عنوان ذیل نوشته که پس از آن مکرر تجدید چاپ گردیده است:

*The Hamdanid Dynasty of Mesopotamia and North Syria, 254-404 / 868-1014*

کار جدیدتر و جامع‌تر را فیصل سامر با نگارش کتاب ارزشمند خود انجام داده:

*الدولة الحمدانية في الموصل والحلب* که علیرضا ذکاوتی قراگوزلو به فارسی روانی ترجمه کرده و در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در تهران به چاپ رسانیده است. در سالهای اخیر عبدالرفیع رحیمی نیز چند مقاله ظاهراً از پایان‌نامه خود درباره حمدانیان در مجلات ایرانی و انگلیسی به چاپ رسانیده است. منابع اصلی این کار در هر دو بخش، همان‌گونه که باید، در متن به گاه ضرورت معرفی شده و نیازی به ذکر آن در مقدمه دیده نشده است.

کار حاضر سفارشی است که از سوی سازمان «سمت» در سال ۱۳۸۵ خورشیدی برای تألیف یک کتاب درسی داده شد تا تاریخ حمدانیان و فاطمیان در کنار هم، کوتاه، تا حد امکان فراگیر و به بیانی ساده نوشته شود و در دسترس دانشجویان رشته تاریخ قرار گیرد. از آنجا که ماهیت این کتاب ایجاب می‌کرد به دو بخش حمدانیان و فاطمیان تقسیم شد. نابرابری دو بخش این کتاب به نابرابری دو سلسله حمدانی و فاطمی برمی‌گردد. در هر دو بخش خاستگاه، قلمرو، وضعیت جغرافیایی و پیشینه فرهنگی سرزمینهای تحت سیطره آنان معرفی شده است. تاریخ سیاسی و تاریخ روابط خارجی هر دو سلسله به طور فشرده مطرح شده و علل سقوط و انحطاط آنان نیز در پایان مورد بررسی قرار گرفته است.

تفاوت‌های ذاتی این دو حکومت سبب شد تا فصلهایی از این دو بخش به یکدیگر همانند نباشد. حمدانیان دست به تأسیس نهاد خاصی نزدند و در جامعه خود بدعتی نیاوردند. در حالی که فاطمیان در نهادهای مذهب، آموزش، حکومت و نیروهای نظامی خود نوآوری‌هایی کردند که بعدها برخی از آنها سرمشق دیگر حکومت‌های مسلمان شد و پاره‌ای نیز در میان اسماعیلیان با افزایش و کاهش ادامه یافت. از این روی فصل چهارم بخش فاطمیان به توصیف آنها اختصاص یافت. در برابر اجتماع و اقتصاد جامعه حمدانی نیز در بخش یکم تشریح شد. در حالی که جامعه فاطمی در خلال مباحث دیگر توصیف شد و برای رعایت اختصار در فصل مجزایی تکرار نشد.

جنبه آموزشی کتاب آوردن نقشه‌ها و نمودارهایی را ایجاب کرد که در پایان پیوست شد. در متن هر دو بخش، تاریخ رویدادها، همگی به ترتیب به هجری قمری/میلادی آورده شد تا امکان مقایسه با رویدادهای غرب فراهم شود. نامهای ناآشنای فارسی و عربی نیز با استفاده از ظرفیت الفبای عربی، به همان شیوه سنتی شکل داده شد. در حالی که برای نامهای اروپایی از خطوط همان زبانها استفاده گردید. در شیوه ارجاع پاورقیها نیز با وجود پافشاری نگارنده و همراهی دست‌اندرکاران «سمت» شماره صفحات بر خلاف شیوه مورد استفاده نگارنده و بر اساس شیوه‌نامه سازمان از راست به چپ نوشته شد.

از آقای دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد که مانند همیشه یاری‌گریهای استادانه خود را از من دریغ نکردند، سرکار خانم میترا سپاسی آشتیانی که در درک روان‌شناختی پاره‌ای از مبهمات این کار راهنماییم کردند، خانم دکتر فاطمه جان‌احمدی که در سختیهای کار با سخن گفتن از تجربه پژوهشی و آموزشی خود در مطالعات فاطمی، بنده را به ادامه کار دلگرم گردانیدند، تمامی دست‌اندرکاران سازمان «سمت» که با گشاده‌رویی در تمام مراحل همراهی ام کردند و سرانجام کتابداران کتابخانه آستان قدس رضوی که مانند همیشه در شبانه‌روزهای پرکار یاورم بودند، سپاسگزاری می‌کنم.